

# کارگريپشتاز

بولتن کارگری هسته کارگران پشتاز سوسیالیست (خوزستان)

<https://t.me/ahvazijava>



## به سوی حاکمیت کارگری و سوسیالیسم

درود به همقطاران و کارگران غیور خوزستان  
شماره ۲۲ بولتن کارگری هسته کارگران پشتاز سوسیالیست خوزستان، ۱۰ شهریور ۱۴۰۲ انتشار می یابد و در دسترس شما قرار می گیرد. بولتن کارگری را تکثیر و توزیع کنید و در اختیار همقطاران خود قرار دهید.

### انعکاس و تداوم صدای یک دیگر باشیم

رفقای کارگر مطمئنا باخبر هستید که مدتی است همقطاران ما در کارخانه ماشین سازی اراک سرگرم دست و پنجه نرم کردن با صاحب کاران هستند. آنان مشکلاتی دارند و از صاحب کاران می خواهند پاسخی بدهند. چند روز پیش هم ما خبری از تجمع مجدد آن ها در روز پنجشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۲ منتشر کردیم. حالا می خواهیم کمی بیش تر در مورد این ماجرا صحبت کنیم و بگوئیم که بسیاری از این درخواست ها متعلق به همه ماست؛ اما چون همه با هم یک صدا خواستار مطالبه آن نمی شویم، یا حداقل به کارفرمایان نشان نمی دهیم که درد کارگران ماشین سازی اراک درد ما نیز هست، این زالوها می توانند سر ما را تک تک به سنگ بکوبند و صدایمان را خاموش کنند. عملی که مطمئنا در صورت اتحاد سراسری ما برای آنان چندان ساده نخواهد بود و باید برایش بهای گرانی بپردازند.

کارگران ماشین سازی اراک می گویند که مدیریت فعلی نمی تواند شرکت را به بهره وری و رونق برساند. این گفته کلام آشنایی است. همه ما می دانیم. در عمل دیده ایم. کجا توانسته اند که این جا بتوانند. آن ها ظرف چهل و چهار سال گذشته صنایع ما را نابود کردند و کارگران بی شماری را به خاک سیاه نشانند.

کارگران از عدم امنیت شغلی می نالند. مگر تجربه تک تک ما چیزی غیر از این می گوید. ریش دست آن هاست و قیچی هم دست آن ها. هروقت تشخیص دهند که کارگری محل آسایش آنان است عذرش را می خواهند. اگر تا امروز هنوز این شتر در خانه ما نخوابیده است، به معنای آن نیست که ما امنیت داریم، بلکه به مفهوم آن است که هنوز نوبت ما فرانسیده. هنوز شیرهای در ما به جا مانده که باید کشیده شود.

تصور کنیم یکی کارش را از دست بدهد و ما همه، نه تنها در یک کارخانه، بلکه در تمام کارخانجات آن منطقه، و اگر امکان پذیر بود، در تمام کارخانه های کشور، در اعتراض به این عمل، حتی اگر شده یک ساعت، دست از کار بکشیم. می دانید ضرر مالی این حرکت برای سرمایه داران چه مقدار خواهد بود؟ آنان اگر قدرت متحد ما را تجربه کنند، آیا جرات می کنند که چنین برخوردی با یک کارگر داشته باشند؟ مسلم است که نه! اما اگر هرکس به گوشه عافیت خود بخزد و صدایش در نیاید، شک نکنید که دیر یا زود این بلا به سر تک تک ما خواهد آمد. ما هم مانند شما کارگر هستیم و وحشت بی کاری و گرسنگی را می فهمیم. ولی این را نیز می دانیم که

از قدیم بیهوده نگفته‌اند: "مرگ یک بار شیون هم یک بار". اگر چه این جا شیونی در کار نیست و در انتها ما بازنده نخواهیم بود. تاریخ ثابت کرده است!

کارگران نگران ادغام گروه‌های تولیدی هستند. البته کسی مخالف افزایش تولید و همکاری گروه‌های تولیدی نیست، اما این مکاره‌ها هدف دیگری را دنبال می‌کنند. هدف آنان ایجاد تفرقه و تضاد در درون خود ما کارگران است تا از پتانسیل اعتراضی ما بکاهند، ضمن آن که تحت این عنوان تعدادی از کارگران را مازاد اعلام کنند و عذرمان را بخواهند. طبیعی است که چنین ادغامی در شرایط فعلی به نفع ما نیست. کارخانه را به ما بدهید. ما از همه نیروها به نحو احسن استفاده می‌کنیم و بهره‌وری کار را بالا می‌بریم اما به شماها اعتماد نداریم. در تجربه چهل و چند ساله اخیر به این نتیجه رسیده‌ایم.

کارگران می‌گویند این کارخانه هزار و هفت صد کارگر رسمی و قراردادی دارد. بگذریم از این که چرا این تفاوت وجود دارد. چرا باید عده‌ای رسمی باشند و عده‌ای قراردادی؟ مگر کار رسمی‌ها با قراردادی‌ها فرقی می‌کند؟ هر دو پشت همان ماشین‌ها کار می‌کنند. روشن است که آن‌ها قصد و غرضی دارند. به نظر ما قصدشان افزایش شدت کار، به ویژه در میان کارگران قراردادی است. کارگرانی که نگران آن هستند اگر به انتظارات صاحب کاران جواب ندهند کارشان را از دست خواهند داد و گرسنه می‌مانند، که این خود می‌تواند موجب اختلاف و تفرقه بین کارگران باشد، چرا که کارگران رسمی، قراردادی‌ها را مسئول افزایش سرعت خط تولید می‌انگارند.

کارگران می‌گویند صندوق ذخیره فرهنگیان که یکی از سهام‌داران عمده این مجتمع تولیدی است حقوق‌شان را سر وقت بپردازد. البته این صندوق ربطی به فرهنگیان شریف ندارد. شرکتی است خصوصی که در سال ۱۳۴۷ و ظاهراً با هدف ارتقا وضعیت معیشتی فرهنگیان در زمان بازنشستگی تاسیس شده است. این شرکت با داشتن چهار هلدینگ پتروشیمی و انرژی به اضافه مالی و سرمایه‌گذاری پول بازنشستگی فرهنگیان زحمت‌کش را صرف بورس بازی و افزایش سرمایه مالی مدیران آن می‌کند. آنان حدود ۳۰ شرکت در زیر مجموعه این هلدینگ‌ها دارند.

حالا یکی بیاید و بپرسد: آقایان از زمانی که شما این صندوق را به راه انداختید چه کار خیری برای معلمان کردید، ما را فراموش کنید، وضع مالی کدام فرهنگی بهبود پیدا کرده؟ این بیچاره‌ها که روزها درس می‌دهند. غروب‌ها مسافرکشی می‌کنند و شب‌ها هم به شاگردان خصوصی می‌پردازند و هنوز هشت‌شان گرو نه‌اشان است. شما که این قدر پول در این صندوق می‌سازید حتی حقوق ما کارگران را که امروز تولید می‌کنیم نمی‌دهید، مراقبت از فرهنگیان بازنشسته در آینده، پیش‌کش‌تان.

گند این صندوق آن چنان بالا گرفت که نمایندگان انتصابی همین کارفرمایان که مورد تأیید قالیباف رئیس فعلی مجلس هم بوده‌اند و توسط ایشان انتخاب شدند، در مجلس فرمایشی خود یقه شهاب‌الدین غندالی مدیرعامل وقت را، در سال ۱۳۹۵ گرفتند و به جرم فساد مالی روانه زندانش کردند. خدا می‌داند که ایشان در حال حاضر زندان هستند یا نه. از این بگذریم:

این آقای غندالی در مدت مدیریتشان ۸ هزار میلیارد تومان به نرخ تورم آن زمان اختلاس کردند. ۸ هزار میلیارد تومان شام شب چند میلیون خانواده کارگری را تامین می‌کند؟ اجاره سالانه چند خانواده را می‌توان با آن پرداخت؟ چند کیلو مرغ و میوه می‌توان با آن خرید. تجملاتی که از سفره ما کارگران سال‌هاست رخت بر بسته.

همسر ایشان خام فاطمه شادمانی و هم‌پیاله ایشان محمد امامی (سرمایه‌گذار سریال شهرزاد) از طریق همین صندوق پول شویی می‌کردند و به اعتبار آن از بانک‌ها وام می‌گرفتند. حالا شما می‌آئید و می‌گوئید. این‌ها سرنوشتمان را در دست داشته باشند. کسانی که تا به حال در همه ادارات و کارخانه‌جات امتحان خود را پس داده‌اند.

کارگران می‌گویند شرکت برنامه تولیدی ندارد و همین حالا هم دارد به بهانه نوسازی، دستگاه‌ها و ابزارآلات تولید را می‌فروشد. فقط هم در این شرکت نیست، کارخانه لوله‌سازی ما هم گرفتار همین مشکل است، رفقای کارگر ما در هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز هم همین مشکل دارند، و اگر کمی بیش‌تر کندوکاو کنیم متوجه می‌شویم که اغلب کارخانه‌جات گرفتار همین بلیه هستند. آنان ظرف چهل و چهار ساله گذشته هر چه درآمد این کارخانه‌جات داشتند، خرج یللی تللی خودشان کردند و یا در بانک‌های خارجی برای روز مبادا ذخیره کردند. پولی نبود که صرف خرید ماشین‌آلات جدید شود. عجیب نیست که امروز بیش‌تر کارخانه‌جات اسقاط و ورشکسته هستند.

این‌ها ابدا خواهان گسترش صنعتی نیستند، دلال‌ها و حاجی‌بازاری‌هایی که با یک تلفن از چین و المان و فرانسه و حتی آمریکا جنس وارد می‌کنند و از دست دیگر چندین برابر قیمت در بازار سیاه می‌فروشند. تازه با توجه به رانت‌هایی که از آن برخوردارند، و ارتباطاتی که با دولت متبوع خود دارند، ارز خرید همان بنجل‌ها را هم به قیمت دولتی دریافت می‌کنند.

زندگی ما که برایشان اهمیتی ندارد. حمودی خودکشی کرد! بهجت نژاد خود را به آتش کشید! دوانی خود را کشت! دو جوان بیست ساله در عنفوان جوانی قرص برنج خوردند و مردند! به جهنم. در مقابل این کشتارهای غیر رسمی سرمایه دارند می گویند: ما که شکم مان گنده تر شده و آفازاده های مان در پورشه های شیک و آخرین مدل توی خیابان های شمال شهر تهران ویراژ می دهند و پارتی های عجب و جق می گیرند و به ریش همه شما می خندیم. هروقت هم که هوا پس بود باروبنه مان را جمع می کنیم و می رویم کانادا نزد یار غارمان آقای خاوری. برادرهای ناتنی ما از طرف شیطان بزرگ، برادرهای سخاوت مند و مهمان نوازی هستند.

بسیار خوب، می گوئید کارخانه بازدهی ندارد و اسقاط است! بدهید به ما. مگر نه این که تا همین امروز چرخش را ما گردانده ایم. خودمان درستش می کنیم. می گوئید سودآوری ندارد! بسیار خوب، دفترهایتان را باز کنید. اگر سودآوری نداشت آن ۸ هزار میلیاردی که لقمه چپ شما شد از کجا آمده بود، ارث پدریتان که نبود. دسترنج ما بود. مایی که حتی حقوق بخور و غیرمان را با چند ماه تاخیر دریافت می کنیم.

رفقای کارگر، این ها دروغ می گویند. این ها حقه بازند. تنها تفاوتشان با ما در این است که آن ها با هم هستند و ما متفرق. برای همین است که امروز سوار کرده ما هستند. چاره کار، اتحاد ما و حمایت ما از یک دیگر است. قبلا هم گفتیم: ما بسیاریم و این ها عددی نیستند. فقط مانده که خودمان این واقعیت را باور کنیم.

تنها در سایه اتحاد ما و تشکیلات ما می توان این انگل ها را نابود کرد. مسئله ما چانه زدن سر کمی پول بیش تر یا کم تر نیست، اگر چه وقتی پایش بیفتد آن جا هم یقه اشان را ول نمی کنیم. ما حق خودمان را می خواهیم، حق موروثی خودمان. حق اداره کارخانه ها به دست خودمان. حق بازبینی دفترها و دستک ها.

این سرمایه ها، این کارخانه ها متعلق به ما و متعلق به همه مردم شریف ایران است، جدای از این که از کدام ملیتی می آیند، جنسیت شان چیست و چه عقیده و مرامی دارند.

رفقای کارگر، فراموش نکنیم

## "حق دادنی نیست، حق گرفتنی است"

پیش به سوی اشغال و اعمال حاکمیت خود در کارخانه

پیش به سوی کنترل بر تولید و توزیع در کارخانه ها

پیش به سوی ساختن هسته های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست

پیش به سوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری

پیش به سوی اتحاد عمل سراسری کارگران برا حمایت از کارگران زندانی

پیش به سوی تشکیل ستاد رهبری

هسته کارگران پیشتاز سوسیالیست (خوزستان)

۱۰ شهریور ۱۴۰۲

- پیش بسوی اشغال و اعمال حاکمیت خود در کارخانه ها!
- پیش بسوی کنترل بر تولید و توزیع در کارخانه ها!
- پیش بسوی ساختن هسته های مخفی کارگران پیشتاز سوسیالیست!
- پیش بسوی اتحاد کارگران پیشتاز بر محور یک برنامه اقدام کارگری!
- پیش بسوی اتحاد عمل سراسری کارگران، برای حمایت از کارگران زندانی!
- پیش بسوی تشکیل ستاد رهبری کارگری!

<https://t.me/ahvazijava>